



بایسته‌های بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی (۲)



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شماره مسلسل: ۱۹۹۴۹
کد موضوعی: ۲۷۰



مرکز پژوهش‌های
مجلس شورای اسلامی

تاریخ انتشار:
۱۴۰۳/۵/۲۱

عنوان گزارش:
بایسته‌های بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی (۲)

نوع گزارش: طرح و لایحه □، نظارتی □، راهبردی ■

نام دفتر:
مطالعات فرهنگ و آموزش (گروه فرهنگی عمومی، هنر و صنایع خلاق)

تهیه و تدوین کنندگان:
حامد سهرابی

مدیر مطالعه:
رضا مستمع

ناظران علمی:
موسی بیات، سید مجید امامی (عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع) و رایزن فرهنگی)

اظهار نظر کنندگان:
محمد مهدی جعفری (مطالعات بخش عمومی)، فهیمه غفرانی (مطالعات مدیریت)

گرافیک و صفحه آرایی:
سیده فاطمه ابوطالبی

ویراستار ادبی:
سیده مرضیه موسوی راد

تاریخ شروع مطالعه:
۱۴۰۲/۱۲/۰۲



واژه‌های کلیدی:
۱. بازسازی انقلابی
۲. بازسازی انقلابی فرهنگی
۳. مهندسی فرهنگی
۴. شورای عالی انقلاب فرهنگی



فهرست مطالب

چکیده.....	۶
خلاصه مدیریتی.....	۶
۱. مقدمه.....	۷
۲. پیشینه.....	۸
۲-۱. سوابق مطالعاتی در مرکز.....	۸
۲-۲. سوابق تقنینی به همراه آسیب‌شناسی.....	۸
۳. اهم چالش‌های ساختار فرهنگی.....	۹
۳-۱. نبود نگاه جامع و همه‌جانبه به فرهنگ.....	۹
۳-۲. ضعف ایده‌های موجود در دستگاه‌های فرهنگی.....	۹
۳-۳. ارزیابی ناقص عواقب تصمیمات فرهنگی.....	۱۰
۳-۴. نامعلوم بودن افراد صاحب ایده‌محوری در تصمیم‌های فرهنگی.....	۱۰
۳-۵. سلطه عقلانیت دیوان‌سالار بر انگاره (ایده)‌های فرهنگی.....	۱۱
۳-۶. اصالت سازمان به جای اصالت مأموریت.....	۱۱
۴. بایسته‌های بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی.....	۱۲
۴-۱. مهندسی فرهنگی به‌مثابه روش بازسازی انقلابی.....	۱۲
۴-۲. اصلاح نحوه تخصیص بودجه در بخش فرهنگ و هنر.....	۱۴
۴-۳. تغییر نظام بودجه‌ریزی به نفع ایجاد گروه‌های مردمی.....	۱۵
۴-۴. اصلاح ساختار بودجه کشور از دستگاه‌محوری به مأموریت‌محوری.....	۱۵
۴-۵. تغییر نقش دستگاه‌های فرهنگی از تصدیگر به‌عنوان بستر ساز و تنظیم‌گر.....	۱۶
۴-۶. استفاده از ظرفیت‌های موجود مغفول بین دستگاه‌های دولتی.....	۱۶
۴-۷. اصلاح ساختار اداری و تشکیلات به‌منظور چابک‌سازی.....	۱۷
۴-۸. ایجاد رویکردی فراگیر به جای نگاه بخشی به فرهنگ.....	۱۷
۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.....	۱۸
منابع و مآخذ.....	۱۹



بایسته‌های بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی (۲)

چکیده



موضوع بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی در اولین دیدار اعضای دولت سیزدهم در سال ۱۴۰۰ توسط مقام معظم رهبری ^{مدظله‌العالی} مطرح شد. این موضوع در سال بعد در جمع اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز تکرار شد. در این راستا در سال ۱۴۰۲ دفتر مطالعات آموزش و فرهنگ مرکز پژوهش‌های مجلس، گزارشی با عنوان «چارچوب مفهومی بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور» به منظور، ترسیم چارچوب مفهومی این موضوع در نظام فکری امام خمینی ^(ره) و مقام معظم رهبری ^{مدظله‌العالی} منتشر کرد. در آن گزارش، چارچوب اولیه مبنی بر غایت کلان تشکیل حکومت اسلامی ترسیم و بر این اساس، جایگاه دستگاه‌های فرهنگی تبیین شد. گزارش پیش‌رو، در ادامه گزارش پیشین، اهم چالش‌های موجود در بخش فرهنگ را احصا کرده است؛ از جمله این چالش‌ها می‌توان به نبود نگاه همه‌جانبه به فرهنگ، ضعف ایده‌های موجود در دستگاه‌های فرهنگی، ارزیابی ناقص آثار تصمیمات فرهنگی و سلطه عقلانیت دیوان‌سالار بر ایده‌های فرهنگی اشاره کرد. پس از احصای این چالش‌ها، بایسته‌هایی از جمله توافق بر نقشه مهندسی فرهنگی به مثابه نقشه راه در بین دستگاه‌های فرهنگی برای این امر پیشنهاد شده است. ضمن اینکه باید شورای عالی انقلاب فرهنگی، به عنوان قرارگاه بازسازی انقلابی نقش آفرینی کند. یکی از لوازم جایگاه قرارگاهی این شورا، جمع‌بندی داده‌ها و اطلاعات به منظور رصد و نظارت برای طراحی شاخص‌های ترکیبی وضعیت فرهنگی است. همچنین باید نظام بودجه‌ریزی از دستگاه‌محوری به مأموریت‌محوری اصلاح شود. از سوی دیگر، باید از ظرفیت‌های موجود مغفول بین دستگاه‌های دولتی استفاده شود.

خلاصه مدیریتی



بیان / شرح مسئله

موضوع بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور با شروع دولت سیزدهم در سال ۱۴۰۰ و نیز یک سال بعد از آن در سالروز تأسیس شورای عالی انقلاب فرهنگی توسط مقام معظم رهبری ^{مدظله‌العالی} مطرح شد. در گزارش اول با عنوان چارچوب مفهومی بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور (۱)، ضمن طرح مسئله، مهم‌ترین چالش‌ها و راهبرد برون‌رفت از آنها مطرح شد. در گزارش پیش‌رو سعی شده است ضمن مرور اهم موضوعات گزارش قبل، چالش‌های دیگری در بخش فرهنگ احصا و در نهایت بایسته‌هایی به منظور بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی پیشنهاد شود.

نقطه‌نظرات / یافته‌های کلیدی

در گزارش اول به چالش‌هایی همچون فراموشی سیاست در دستگاه‌های فرهنگی، اختلال ارتباط دستگاه‌های فرهنگی با بدنه مردم و نیز کاستی‌هایی در جلب مشارکت مسئولیت‌مدار در بین آحاد مردم اشاره شده است. در گزارش حاضر، علاوه بر موارد مذکور، می‌توان به موضوعات دیگری از جمله نبود نگاه همه‌جانبه به ارتباط فرهنگ و اقتصاد جامعه، ضعف ایده‌های موجود در دستگاه‌های فرهنگی، ارزیابی ناقص آثار تصمیمات فرهنگی، نامشخص بودن عنصر تصمیم‌گیر در حوزه فرهنگ، سلطه عقلانیت دیوان‌سالار بر انگاره (ایده)‌های نحیف موجود در

دستگاه‌های فرهنگی و اصالت سازمان به جای اصالت مأموریت حل مسائل فرهنگی اشاره کرد که فرمان بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی را با چالش مواجه می‌سازد.

■ پیشنهاد راهکار تقنینی، نظارتی یا سیاستی

راهبرد کلان پیشنهادی در گزارش اول برای برون‌رفت از موقعیت کنونی، جلب مشارکت گروه‌های خودجوش، آینده‌دار و متعهد بود، به نحوی که دولت با حفظ موقعیت گروه‌های مردمی شبکه‌ای قدرتمند، گسترده و منسجم ایجاد کند. در گزارش پیش‌رو، به لزوم مهندسی فرهنگی در گام اول، بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی اشاره می‌شود که از بایسته‌های آن می‌توان به توافق بر نقشه مهندسی فرهنگی به مثابه نقشه راه، همچنین نقش‌آفرینی شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان قرارگاه بازسازی انقلابی و تجمیع داده‌ها و اطلاعات دستگاه‌های رصد و نظارت برای طراحی شاخص‌های ترکیبی وضعیت فرهنگی اشاره کرد. از بایسته‌های دیگر موضوع بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور می‌توان به اصلاح نحوه تدوین و تخصیص قانون بودجه در بخش فرهنگ و هنر، تغییر نظام بودجه‌ریزی به نفع ایجاد و تقویت ائتلاف‌های مردمی، اصلاح ساختار بودجه کشور از دستگاه‌محوری به مأموریت‌محوری، تغییر نقش دستگاه‌های فرهنگی از تصدیگر به بستر ساز و تنظیم‌گر، استفاده از ظرفیت‌های موجود مغفول بین دستگاه‌های دولتی، اصلاح ساختار اداری و تشکیلات به منظور چابک‌سازی و ایجاد رویکردی فراگیر به جای نگاه بخشی به فرهنگ اشاره کرد.

۱. مقدمه

موضوع بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور از ابتدای سال ۱۴۰۰ و هم‌زمان با شروع دولت سیزدهم در صدر موضوعاتی بود که رهبر معظم انقلاب مدظله‌العالی به آن پرداختند. [۱] گروه فرهنگ عمومی، هنر و صنایع خلاق ذیل دفتر مطالعات فرهنگ و آموزش اقدام به تدوین گزارشی در این حوزه کرد. در گزارش اول به چارچوب مفهومی بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور در نظام فکری حضرت امام خمینی رحمه‌الله‌علیه و همچنین مقام معظم رهبری مدظله‌العالی پرداخته شد و در گزارش حاضر، با تکیه بر مفاهیم گزارش پیشین، بایسته‌ها و خطوط اصلی بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور، ترسیم می‌شود. این بایسته‌ها با اصلاح روند کلان موجود جریان فرهنگی در جامعه، امکان‌پذیر خواهد بود و در این راستا، ساختار سیاست‌گذاری فرهنگی از قوای مجریه و مقننه گرفته تا نهادها و سازمان‌های حاکمیتی نیز ناگزیر از اتخاذ تصمیم و اقدام متناسب در این حوزه هستند.

در گزارش پیشین، فرهنگ به عنوان چرخه‌ای پویا و به هم پیوسته از عقاید و باورها، هنجارها، آداب و رسوم که در اعمال و رفتار افراد عیان می‌شود، معرفی شد. از طرف دیگر، مفهوم بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور از منظر مقام معظم رهبری مدظله‌العالی، اصلاح نرم‌افزار حاکم بر رفتار مردم یا ذهنیت افراد جامعه بوده و ویژگی انقلابی بودن در آن، به منزله کیفیت اجرای فعل بازسازی بیان شده است. از این منظر فرمان بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی، تغییر ذهنیت را هدف قرار داده است. [۲] در ادامه این روند، گزارش حاضر در نظر دارد با تبیین وضع موجود و بیان چالش‌های حال حاضر تصویری از وضعیت فرهنگی ارائه کند و بایسته‌های بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی را مبتنی بر حل این چالش‌ها پیشنهاد دهد.



۲-۱. سوابق مطالعاتی در مرکز

بعد از مطرح شدن موضوع بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور در دیدار اعضای هیئت دولت سیزدهم با مقام معظم رهبری^{مدظله العالی} در سال ۱۴۰۰، گفتگوهایی توسط دانشگاه‌ها، اندیشکده‌ها و مراکز علمی و پژوهشی برگزار شد و معدودی از گزارش‌ها و مقالات به این موضوع اختصاص پیدا کرد. در مرکز پژوهش‌های مجلس نیز گزارشی با عنوان «چارچوب مفهومی بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور (۱): طرح مسئله، اهم چالش‌ها و راهبرد» به شماره مسلسل ۱۹۳۱۴ چاپ و منتشر شده است [۳] که در آن چارچوب کلان موضوع بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی بر مبنای نظام اندیشه‌ای حضرت امام خمینی^{رحمه الله علیه} و مقام معظم رهبری^{مدظله العالی} تبیین شده و بر اساس آن، اهم چالش‌ها و راهبرد برون‌رفت از آن پیشنهاد شده است. گزارش پیش‌رو به نوعی شماره دوم گزارش مذکور به حساب می‌آید؛ علاوه بر این گزارش‌های دیگری نیز متناسب با طرح‌های مختلف در ادوار گوناگون تهیه شده که نزدیک به موضوع بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی است، از جمله آنها می‌توان به اظهار نظر کارشناسی درباره: «طرح مدیریت متمرکز فرهنگی» به شماره مسلسل ۱۷۴۴۲ [۴] و همچنین اظهار نظر کارشناسی درباره: «طرح افزایش کارآمدی دستگاه‌های فرهنگی و اجرایی در گسترش اخلاق عمومی» به شماره مسلسل ۱۶۶۳۹ [۵] و اظهار نظر کارشناسی درباره: «طرح سامان‌دهی نهادهای تبلیغی دینی و فرهنگی تشکیل ستاد عالی توسعه فرهنگ اسلامی» به شماره مسلسل ۹۳۸۲ [۶] اشاره کرد. هر کدام از این طرح‌ها به منظور سامان‌دهی دستگاه‌های فرهنگی در ادوار مختلف مجلس شورای اسلامی مطرح شده و عمدتاً حل مسئله نابسامانی مسائل فرهنگی را در تغییرات سازمانی و تشکیلاتی دیده‌اند.

۲-۲. سوابق تقنینی به همراه آسیب‌شناسی

موضوع بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور با این عنوان، به نظر موضوع تازه‌ای است، اما این رویکرد در دوره‌های مختلف با عناوین دیگر نیز طرح شده است. از طرح مدیریت متمرکز فرهنگی در سال ۱۳۹۹ گرفته تا طرح افزایش کارآمدی دستگاه‌های فرهنگی و اجرایی در گسترش اخلاق عمومی در سال ۱۳۹۸ و طرح سامان‌دهی نهادهای تبلیغی دینی و فرهنگی تشکیل ستاد عالی توسعه فرهنگ اسلامی در سال ۱۳۸۸. عمده این طرح‌ها، چاره نابسامانی‌های موجود در عرصه فرهنگ را در تغییرات سازمانی و تشکیلاتی دیده‌اند و در این راستا تدوین شده‌اند و در نهایت نیز تغییر و اصلاح ویژه‌ای از طریق این طرح‌ها دنبال نشده است. همچنین، موضوع بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور بعد از بیانات مقام معظم رهبری^{مدظله العالی} در سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ به عنوان راهبردی مهم در بین دستگاه‌های فرهنگی مورد توجه قرار گرفت و در نهایت در بند «الف» ماده (۷۵) قانون برنامه هفتم توسعه نیز درج شده است.^۱

۱. ماده (۷۵) - در راستای اعتلای فرهنگ عمومی در جهت تحکیم سبک زندگی اسلامی - ایرانی، ترویج فرهنگ ایثار و شهادت، تقویت هم‌بستگی و اعتماد به نفس ملی، ارتقای هویت ملی و روحیه مقاومت، کار و تلاش در جامعه اقدامات زیر انجام می‌شود:

الف) وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان اداری و استخدامی کشور مکلفند با همکاری دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی و مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه و سایر دستگاه‌های فرهنگی ذی‌ربط به منظور بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور با رویکرد اصلاح ذهنیت، فرهنگ و نرم‌افزار حاکم بر جامعه و با هدف افزایش کارایی و اجتناب از هم‌پوشانی و تداخل مأموریت و وظایف و با رویکرد استقرار الگوی حکمرانی هوشمند، شبکه‌ای، تعاملی، مردم‌پایه، ارزشی و انقلابی تا پایان سال دوم برنامه نسبت به تهیه طرح اصلاح رویکردها، رویه‌ها، روش‌ها و مأموریت، ساختار، وظایف و تشکیلات دستگاه‌های فرهنگی که به نحوی از انحاء از بودجه‌های عمومی به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم استفاده می‌کنند، اقدام نموده و به تصویب مراجع ذی‌صلاح برسانند.

۳.۳. اهمیت چالش‌های ساختار فرهنگی



آن چنان که در گزارش «چارچوب مفهومی بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور (۱): طرح مسئله، اهمیت چالش‌ها و راهبرد» به شماره مسلسل ۱۹۳۱۴ بیان شد، بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور با چالش‌هایی شامل فراموشی سیاست در دستگاه‌های فرهنگی، اختلال ارتباط دستگاه‌های فرهنگی با بدنه مردم و نیز مسئولیت‌زدایی از مردم مواجه است. علاوه بر این موارد می‌توان به چالش‌های دیگری به شرح ذیل نیز اشاره کرد که به نوبه خود، بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی را با موانعی مواجه می‌سازد.

۱-۳. نبود نگاه جامع و همه‌جانبه به فرهنگ

انقلاب اسلامی در ذات خود، یک انگاره (ایده) سیاسی مبنی بر استقرار حکومت اسلامی را به همراه دارد. انگاره‌ای که فارغ از وظایف عمومی همه حکومت‌ها، از جمله تأمین هویت، امنیت، خوراک، مسکن، بهداشت و از این دست نیازها، مسئولیت سنگین تحول نفوس یا هدایت مردم را نیز به دوش می‌کشد. یکی دیگر از معضلات حوزه فرهنگ، باور برخی از متولیان این حوزه مبنی بر این است که فارغ از پرداختن به اوضاع اقتصادی و اجتماعی جامعه، می‌توان فرهنگ جامعه را اصلاح کرد؛ حال آنکه حکومت دینی، هم مسئول رشد و ارتقای فرهنگی مردم بوده و هم تأمین معاش مردم را عهده‌دار است. بر این اساس، جزء با توجه به همه ابعاد زندگی مردم، نمی‌توان به اصلاح فرهنگ جامعه پرداخت. لذا برای اصلاح فرهنگ، اقتصاد، سیاست و وضعیت اجتماعی، لازم است نگرشی جامع داشت و مبتنی بر گفتار قوی و منسجم عمل کرد. برای مثال، گفتار استقلال‌خواهانه انقلاب اسلامی باعث تحول در بسیاری از زمینه‌های زیست مردم ایران از سیاست گرفته تا اقتصاد و فرهنگ شد. امتداد این گفتار را می‌توان در تمام موفقیت‌های بعد از انقلاب ملاحظه کرد؛ از سرنگونی رژیم پهلوی گرفته تا مقاومتی که در هشت سال دفاع مقدس صورت گرفت. علاوه بر اینها پیشرفت‌های علمی، نظامی و هسته‌ای که امروز به ثمر نشسته، همگی به نحوی امتداد گفتار استقلال‌خواهانه انقلاب اسلامی بوده که در زمینه‌های مختلف بروز و ظهور داشته است، از این رو در موضوع بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی باید چنین نگاه و رویکردی تکرار گردد تا ثمراتی پایدار و مؤثر حاصل شود.

به طور کلی، در پرداختن به موضوع فرهنگ، دو نوع رویکرد، جزئی‌نگر و فراگیر را می‌توان پیش گرفت. در رویکرد جزئی‌نگر، فرهنگ و مسائل و موضوعات آن، جدای از مسائل و موضوعات حوزه‌های سیاست و اقتصاد بوده و در عرض آنها قرار می‌گیرد؛ اما هنگامی که مفهوم کلان فرهنگ، موضوع بحث باشد، دیگر، نگاه به فرهنگ، لاجرم نگاهی فراگیر خواهد بود. در این نگاه، فرهنگ تنها به جزئی از جامعه اطلاق نشده و در سطح کلان مطرح می‌شود. در این صورت، مفهوم فرهنگ با معنایی گسترده‌تر و فراگیر در تمامی حوزه‌ها به کار گرفته می‌شود. به عبارت دیگر، همچنان که محصولات فرهنگی مانند کتاب، فیلم، موسیقی و رسانه‌ها و ابزارهای ارتباطی، فرهنگ‌ساز هستند، محیط‌ها و ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی هم در فرهنگ‌سازی نقش ایفا می‌کنند. در رویکرد «جزئی‌نگر»، فرهنگ، واحدی خودمختار نبوده و تحت تأثیر سایر حوزه‌های اجتماعی مانند سیاست و اقتصاد است؛ لذا بخش فرهنگ در کنار سایر بخش‌ها تعریف می‌شود و آن را یکی از اجزای جامعه محسوب کرده که در عرض سایر اجزای جامعه قرار داشته و تحت تأثیر آنها شکل می‌گیرد، اما در رویکرد فرهنگ به مثابه «امر فراگیر»، برخلاف رویکرد جزئی‌نگر، فرهنگ امری جامع و معطوف به کل شیوه زندگی است.

۲-۳. ضعف ایده‌های موجود در دستگاه‌های فرهنگی

به رغم تدوین اسناد سیاستی در حوزه فرهنگ از قبیل اصول سیاست فرهنگی کشور یا نقشه مهندسی فرهنگی و یا سایر اسناد مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی، شاهد این موضوع هستیم که نسبت مأموریت و فعالیت دستگاه‌های فرهنگی با اسناد بالادستی مشخص نیست و به همین دلیل، عمده فعالیت‌های دستگاه‌های فرهنگی صرف امور روزمره کارکنان و کارمندان این دستگاه‌ها می‌شود یا در بهترین صورت با حضور مدیران صاحب‌فکر و اندیشه در دستگاه‌های فرهنگی، فعالیت‌های آن دستگاه، تنها کمی به سمت افکار و اندیشه‌های مدیران سوق پیدا می‌کند و در نهایت هم، مشخص نمی‌شود که دستگاه‌های فرهنگی در نسبت با اسناد بالادستی چگونه عمل کرده و فعالیت آنها، براساس



گرایش‌های سیاسی و سلیقه‌ای مسئولین مربوطه خواهد بود. این در حالی است که پیش‌نیاز هر گونه سیاستگذاری فرهنگی، برای حکومتی که داعیه‌ای فرهنگی دارد، وجود یک حرکت فرهنگی منسجم است؛ در حالی که دستگاه‌ها و نهادهای مختلف اعم از دستگاه‌های اجرایی یا سیاستگذار در حوزه فرهنگ، به دلیل اینکه مورد نقد و ارزیابی جدی قرار نگیرند، از سطح سیاست‌های کلان، خارج نمی‌شوند و غالباً راجع به عملکرد خود کلی‌گویی می‌کنند و عملاً نسبت دقیق و وثیقی بین آنچه تدوین و ابلاغ می‌گردد و آنچه که اجرا می‌شود، وجود نداشته و در نهایت مدیران اجرایی در نقش تصمیم‌گیران اصلی ظاهر می‌شوند و در بهترین حالت، انگاره (ایده) شخصی یا سلیقه‌ای خود را دنبال می‌کنند. از این رو، لازم است حرکتی منسجم با فرماندهی کلان و یکپارچه صورت گیرد تا جایگاه و سطح دستگاه‌های مختلف در نظام سیاستگذاری مشخص شود و نیروها و بودجه‌ها بهینه‌تر به کار گرفته شوند.

۳-۳. ارزیابی ناقص عواقب تصمیمات فرهنگی

به دلیل مشخص نبودن نسبت تصمیم‌گیری و عملکرد دستگاه‌ها و نهادهای فرهنگی با اسناد بالادستی، آثار و تبعات مترتب بر تصمیمات، در حوزه فرهنگ مشخص نبوده و عمدتاً در ارزیابی‌ها مورد توجه قرار نمی‌گیرد. این امر به نوبه خود سبب می‌شود که سیاستگذاران فرهنگی کمتر عواقب تصمیمات خود را در نظر داشته باشند و به دنبال آن نیز نمی‌توانند از تجربه اقدامات صورت گرفته برای تصمیم‌های بعدی خود بهره‌مند شوند.

از سوی دیگر، ایجاد نظام مشخص و مدون ارزیابی تصمیم‌های فرهنگی، خود نیازمند بحث‌های نظری بنیادینی است که از دل آن تصمیمات نظام‌مند حاصل شود. در حال حاضر به نظر می‌رسد که تصمیمات فرهنگی به جای اینکه مبتنی بر رویکردهای نظری باشند، بعضاً به تجویزهای زودگذر و مقطعی در حوزه فرهنگ تقلیل یافته است و ارزیابی دقیقی از آثار مثبت و منفی تصمیم‌ها و اقدامات در بلندمدت، صورت نمی‌گیرد. از این رو دستگاه‌های فرهنگی کمتر به عواقب پایدار و ماندگاری که از خود به جای می‌گذارند توجه می‌کنند، لذا ارزیابی ناقصی از عواقب تصمیم‌های خود دارند.

از طرفی دیگر چون غالب اسناد و قوانین پیش‌روی دستگاه‌های فرهنگی به نحوی تدوین شده‌اند که راه مشخصی برای قانونگذار و در ادامه برای مجریان باز نمی‌کند و با مسائل خاص آن‌ها، کمتر ارتباط دارد؛ عاقبت دستگاه‌های مجری، در مقام اجرا، هم سیاستگذاری می‌کنند، هم فعالیتشان را با استناد به قوانین معتبر می‌کنند و نهایت نیز دست به اجرا می‌زنند. بنابراین، چون چرخه سیاستگذاری که از تنظیم راه‌حل‌ها شروع می‌شود و به اتخاذ سیاست، اجرای سیاست و نهایتاً ارزیابی سیاست ختم می‌شود، به درستی شکل نمی‌گیرد، عملاً امکان ارزیابی را ضعیف می‌کند.

۳-۴. نامعلوم بودن افراد صاحب ایده محوری در تصمیم‌های فرهنگی

تصمیم‌گیری در جامعه هنگامی دارای آثار مطلوبی خواهد بود که امکان عمومی شدن آن تصمیم فراهم باشد. به بیان دیگر، هر تصمیمی تا امکان عمومی شدن نداشته باشد، قابلیت اجرایی خود در جامعه را از دست می‌دهد. برای تحقق این امر، در گام اول لازم است فرد یا افرادی که صاحب ایده‌ای هستند که به تصمیمی در حوزه فرهنگ ختم می‌شود، مشخص باشند، به نحوی که امکان گفتگو و طرح نقد و نظرات اصلاحی پیرامون ایده مرکزی تصمیم‌های اخذ شده، فراهم شود. در این حالت است که شخص یا نهاد سیاستگذار و عموم مخاطبان تصمیم‌های فرهنگی، به تدریج رشد می‌کنند. بعضاً به دلیل اینکه طراح ایده یا تصمیم‌گیر محوری در موضوعات مختلف در حوزه فرهنگ مشخص نیست، امکان گفتگو، نقد و ارزیابی توسط کارشناسان، متخصصان و عموم جامعه تضعیف می‌شود. به دنبال این روند ملاحظه می‌شود که مسئولیت تصمیم‌ها و عواقب آن کمتر پذیرفته می‌شود. در این حالت حتی اگر تصمیم درستی هم اتخاذ شده باشد، چون مقدمات عمومی‌سازی صورت نگرفته، مردم در برابر اجرای آنها مقاومت می‌کنند تا جایی که به تدریج بین فرهنگ رسمی و غیررسمی، فاصله ایجاد می‌گردد. از این رو به منظور ارتقای سطح تصمیم‌گیری و اجرای سیاست‌های اتخاذی، لازم است فضایی روشن و شفاف به منظور گفتگو پیرامون ایده‌های اداره فرهنگ در موضوعات مختلف صورت بگیرد.

۵-۳. سلطه عقلانیت دیوان سالار بر انگاره (ایده) های فرهنگی

دیوان سالاری^۱ در کشور، در حوزه‌های مختلف از جمله حوزه فرهنگ، سبب شده که مقوله‌های فرهنگی، گرفتار آفتی به نام «تأخیر انداختن مسئله» شوند؛ به نحوی که نه شجاعت روبه‌رو شدن با مسائل را داشته و نه اراده و تصمیمی بر تغییر داشته باشند. این در حالی است که از ابتدای انقلاب تا کنون، هر کجا اراده‌ای به وجود آمده، درست همان جا، نقطه توفیق و پیروزی برای کشور بوده است. چنین توفیقاتی، از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی، شروع و در دفاع مقدس، صنعت موشکی، پیشرفت‌های علم و فناوری و امثال آنها، ادامه پیدا کرده است.

از سوی دیگر، غلبه رویکرد دیوان سالارانه در فرهنگ باعث شده که سازمان‌های فرهنگی، انگاره (ایده) خاصی را برای پیشبرد امور نداشته و صرفاً به تدوین اسناد و سیاست‌های بالادستی یا ایجاد سازمان و تأسیس ساختمان برای امور فرهنگی اکتفا کنند. علاوه بر اینها، بسیاری از نهاد‌های فرهنگی، رویکرد نظری خاصی را دنبال نمی‌کنند و این موضوع در حوزه فرهنگ، زمینه را برای فعالیت‌های فن سالاران آمهیا کرده است. تأکید بر توسعه بی‌رویه سازمان‌های مختلف فرهنگی نیز، ناشی از نبود همین الگوی توسعه است که منجر به ناهماهنگی، ضعف تأثیر گذاری و بعضاً موازی کاری در عرصه فرهنگ شده است.

دیوان سالاری به نوبه خود باعث شده دستگاه‌های فرهنگی در گزارش‌های عملکردی خود، صرفاً به بالا بردن شاخص‌های کمی در حوزه فرهنگ نظیر تعداد صندلی سینما، شمارگان کتاب و مطبوعات و ایجاد ساختارهای فرهنگی اکتفا کنند. بر اساس این رویکرد، چنین تصور می‌شود که دستگاه‌های فرهنگی، فعالیت‌های زیادی را انجام می‌دهند و از آنها گزارش‌های عملکردی در قالب پوستر، عکس، مصاحبه و امثال آنها به عنوان بیان کاری منتشر می‌شود، اما همین دستگاه‌ها، در قبال اثر گذاری فعالیت‌های خود، کمتر پاسخ‌گو بوده و فرم‌ها، قالب‌ها و ایجاد ساختارهای فرهنگی، اصالت بیشتری پیدا می‌کنند. در چنین شرایطی است که کار مؤثر فرهنگی به حاشیه رانده می‌شود. برای مثال، اسناد متعددی در حوزه‌های مختلف از جمله سند نقشه مهندسی فرهنگی، سند نقشه جامع علمی کشور، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، تدوین و ابلاغ می‌شود، اما مشخص نیست تدوین و ابلاغ این اسناد به چه میزان منجر به امر هدایت فرهنگی به عنوان رسالت اصلی دستگاه‌های فرهنگی می‌شود؟

۶-۳. اصالت سازمان به جای اصالت مأموریت

دیوان سالاری وقتی توسعه پیدا کند، خودش به تنهایی دارای موجودیتی می‌شود که دیگر به راحتی نمی‌توان آن را نادیده گرفت. به بیان دیگر، بعد از مدتی، خود سازمان، اصالت پیدا می‌کند و خروجی فعالیت‌ها محدود به فرم‌های سازمانی می‌شود؛ بدون اینکه به اثر گذاری فعالیت‌های دستگاه‌های فرهنگی توجه شود. به بیان دیگر، سازمان‌های فرهنگی، بر اساس مجموعه اهداف و مأموریت‌های سازمانی خود، برنامه تدوین کرده و بر اساس آن، اعتبارات خود را دریافت می‌کنند، بدون آنکه به مأموریت اصلی خود بیندیشند.

از سوی دیگر، اصالت سازمان فرهنگی به جای اصالت مأموریت فرهنگی سبب می‌شود که دستگاه‌های فرهنگی به جای اینکه به حل مسائل فرهنگی و یا همان اصالت مأموریت فرهنگی خویش بیندیشند، تمام تلاش خود را صرف بقای خود به شکل تلاش برای افزایش بودجه دستگاه، افزایش پست‌های سازمانی و گسترش تشکیلات اداری و امثال آنها کرده، بدون اینکه مشخص باشد که این موارد، چگونه به بهبود مأموریت فرهنگی کمک می‌کنند.

1. Bureaucracy
2. Technocracy



۴. بایسته‌های بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی

۴-۱. مهندسی فرهنگی به مثابه روش بازسازی انقلابی^۱

مقام معظم رهبری مدظله‌العالی، مهندسی فرهنگی را بازطراحی، اصلاح و ارتقای شئون و مناسبات نظام‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشور تعریف نموده و این وظیفه و مأموریت خطیری را به شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان قرارگاه اصلی فرهنگی و مرکز مهندسی فرهنگی کشور محول می‌فرماید [۷]. ایشان در بحث بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی، مهم‌ترین نقش و وظیفه شورای عالی انقلاب فرهنگی را هدایت فرهنگی کشور قلمداد نموده و هدایت فرهنگی را صرفاً از طریق سند نویسی ممکن نمی‌دانند و بر تحقق و اجرایی کردن آنها تأکید دارند. معظم‌له، راه برون‌رفت از معضلات فرهنگی را مهندسی صحیح فرهنگی به عنوان کاری بنیادی برای اصلاح ساختار فرهنگی قلمداد نموده‌اند. ایشان، رصد و هوشیاری دائم، شناخت دقیق ضعف‌ها و تغییرات پنهان فرهنگی در عرصه‌هایی نظیر اجتماع، سیاست، خانواده، سبک زندگی و دیگر عرصه‌ها و نیز تلاش برای دستیابی به راه‌حل‌های عالمانه برای رفع نقاط ضعف و ترویج گزاره‌های صحیح فرهنگی را از الزامات اساسی مهندسی فرهنگی کشور بیان می‌فرمایند. زیرا از این طریق، تکلیف دستگاه‌های مختلف فرهنگی مشخص می‌شود [۲].

از منظر رهبر معظم انقلاب مدظله‌العالی، مهندسی فرهنگی، مقدمه‌ای بر امر هدایت فرهنگی به عنوان مهم‌ترین مسئولیت شورای عالی انقلاب فرهنگی و دستگاه‌های فرهنگی بوده و امری تدریجی است که در طول زمان، آثار خود را نمایان می‌کند و نتیجه آن می‌تواند به بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی منجر شود. از این رو، پرداختن به موضوع مهندسی فرهنگی و بایسته‌های آن می‌تواند در موضوع بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور، گره‌گشا باشد و گام‌های ابتدایی افق پیش‌رو را طراحی کند. از نظر ایشان، بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی از راه «مهندسی فرهنگی» است که به سرانجام می‌رسد. آسیب‌شناسی، برنامه‌ریزی، ایجاد هماهنگی و حل تعارضات، تقسیم وظایف، نظارت و بازخورد سنجی، خود از مراحل مهندسی فرهنگی است. مهندسی فرهنگی به نوبه خود، نیازمند چارچوبی مفهومی و نظری است که در گزارش اول به آن پرداخته شد [۸].

مهندسی فرهنگی سبب می‌شود که موضوع بازسازی ساختار انقلابی فرهنگ، صرفاً به تغییرات اداری دستگاه‌های فرهنگی تقلیل نیافته و اثرگذاری به منظور هدایت فرهنگی، به عنوان هدف در نظر گرفته شود. به دنبال چنین نگاهی است که تغییر یا ایجاد ساختار اداری جدید تنها زمانی معنا پیدا می‌کند که چنین تغییراتی، منجر به بهبود هدایت فرهنگی شوند. تجربه موجود نشان می‌دهد که برخی از تغییرات اداری صورت گرفته در عرصه‌های مختلف از جمله فرهنگ، تغییرات صوری بوده و به منظور تغییر شکل، صورت گرفته و تحول مورد انتظار را سبب نشده است. بنابراین لازم است در بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور، به جای اینکه عمده هزینه، انرژی و توان فکری، صرف تغییر ساختار اداری شود، به تغییراتی اساسی که باید صورت بگیرد، مانند تغییر ذهنیت‌های مردم و تغییر رفتار پرداخته شود و به تبع آن، سایر تغییرات و اصلاحات پیگیری شود. برای مثال می‌توان به برقراری ارتباط طبیعی (ارگانیک) دستگاه‌های مختلف فرهنگی اشاره کرد. به این معنا که دستگاه‌های فرهنگی، طبق مأموریتی که دارند، مشغول فعالیت هستند، اما ارتباطی اندام‌وار به مثابه بدن یک موجود زنده، کمتر مشاهده می‌شود. برای نمونه وزارت آموزش و پرورش دارای مخاطب هویت‌ساز و آینده‌ساز است که تشنه محتوای فرهنگی اعم از کتاب و فیلم گرفته تا پویانمایی و بازی است و از طرفی دیگر سایر دستگاه‌های فرهنگی از جمله وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی و سازمان صداوسیما هستند که بعضاً از بحران مخاطب در آثار تولیدی خود رنج می‌برند و لازم است این پیوند بین دستگاه‌ها به منظور اثرگذاری بیشتر برقرار شود. از سوی دیگر، تحقق مهندسی فرهنگی منوط به برآورده شدن الزاماتی به شرح ذیل است:

۱. منظور از مهندسی فرهنگی در اینجا، روش بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور به تعبیر مقام معظم رهبری است. از این منظر مهندسی فرهنگی در اینجا به معنای طراحی نقشه عملیات به منظور اجرای اقداماتی در میدان فرهنگ برای تغییر ذهنیت مردم می‌باشد و لزوماً به معنای اجرای نقشه مهندسی فرهنگی کشور نیست و نباید با آن اشتباه گرفته شود.

۱-۴. توافق بر نقشه مهندسی فرهنگی به مثابه نقشه راه

یکی از لوازم مهندسی کردن فرهنگ، توافق بر نقشه مهندسی فرهنگی به عنوان سندی مصوب است که باید متناسب با اقتضای زمان و به منظور عملیاتی کردن آن، متناسب با برش‌های منطقه‌ای تکمیل و به کار گرفته شود. این موضوع از آنجا اهمیت پیدا می‌کند که با توجه به سرعت بالای تغییر و تحولات محلی، منطقه‌ای و جهانی، تدوین سندی جدید در این حوزه باعث ائتلاف مجموعه نیرو و بودجه دستگاه‌های فرهنگی می‌شود و به نظر می‌رسد لازم است بر پایه مجموعه اسناد تولید شده، دست به اقدام زد و به اقتضای میدان عمل و در صورت نیاز، اسناد موجود را اصلاح و یا سندی دیگر تدوین کرد.

۲-۴. نقش آفرینی شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان قرارگاه بازسازی انقلابی

شورای عالی انقلاب فرهنگی از منظر مقام معظم رهبری ^{مدظله‌العالی} دارای اهمیت و جایگاه ممتازی در حوزه فرهنگ است و آن را اتاق فرمان فرهنگی کشور یا ستاد عالی فرهنگی و علمی دستگاه‌های کشور؛ اعم از دستگاه‌های فرهنگی و سایر دستگاه‌ها و مرکز مهندسی فرهنگی کشور معرفی نمودند. [۲] با چنین ظرفیتی است که نقش آفرینی شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان قرارگاه تحول فرهنگی، مورد انتظار بوده و این شورا باید محوریت و مرکزیت بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی را عهده‌دار شده و با توجه به شرح وظایف و اهداف تأسیس خود، در این راستا فعال شود. بدیهی است که این امر، فعالیت‌های مستمر، تدریجی و با فوریتی بالاست، به این معنا که شورای عالی انقلاب فرهنگی برای این موضوع، باید کار تمام‌وقت، جدی و حجیمی را انجام دهد و فرماندهی این قرارگاه را دوباره احیا کند. این شورا باید فعالیت‌های فرهنگی را جهت‌دهی کند، اولویت‌ها را مشخص کرده و سازوکاری به این منظور طراحی و تصویب کند و بر آن، نظارت جدی داشته باشد.

ضمناً مقتضی است از ظرفیت حضور رئیس جمهور به عنوان رئیس این شورا حداکثر استفاده را به نحوی انجام دهد که تضمینی جدی و قوی برای مصوبات شورای عالی انقلاب اسلامی وجود داشته باشد. همچنین، رئیس جمهور با هماهنگی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی و به منظور عدم ایجاد ساختار جدید و بر اساس آیین‌نامه داخلی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، لازم است ستاد فرهنگی و اجتماعی که به عنوان دبیرخانه شورای هماهنگی نقشه مهندسی فرهنگی لحاظ شده، میزی با عنوان بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور در این ستاد تشکیل دهد تا در راستای راهبری نقشه مهندسی فرهنگی، موضوع بازسازی نیز در دستور کار قرار بگیرد. ضروری است این ستاد، با توجه به تحولات اجتماعی، ظهور نسل جدید و شهروندان دیجیتالی (رقومی) امکان گفتگو، نقد و ارزیابی تصمیمات را فراهم کند و به منظور تغییر ذهنیت مردم دبیرخانه‌ای قوی، فعال و چابک داشته و در تعامل همدلانه با سایر ستادهای دبیرخانه شورای عالی باشد، به نحوی که محوریت پیگیری‌ها، توزیع و جمع‌آوری طرح‌ها از سایر ستادهای دبیرخانه و همچنین ایجاد فضای گفتگوی جمعی پیرامون موضوعات مشترک حوزه فرهنگ و ایجاد اتاق عملیات بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور، بر عهده ستاد فرهنگی اجتماعی قرار گیرد.

از طرف دیگر حضور رؤسای قوا در این شورا، خصوصاً رئیس جمهور، ضمانتی برای پیشبرد سیاست‌های میانی اتخاذ شده توسط این شورا است. به بیان دیگر در خصوص تقویت ضمانت اجرای مصوبات شورای عالی، لازم است ماهیت سیاستی آن به درستی درک شود و تمایز آن با اسناد بالادستی، قوانین و آیین‌نامه‌های اجرایی شناخته شود؛ علاوه بر این، پیش از هر اقدامی، مذاکرات سیاسی و پیگیری و هماهنگی بین سران قوا، ابزار قدرتمند دیگری به منظور اعمال روبه‌ای واحد برای بازسازی انقلابی است. حضور رئیس قوه مجریه با هدف تمهید دستگاه‌های اجرایی و رئیس قوه مقننه که باید تمهیدات نظارتی و قانونی مصوبات شورا را از طریق سایر سازوکارهای سیاسی مانند سؤال و استیضاح را فراهم آورد تا شورای عالی انقلاب فرهنگی بتواند به عنوان قرارگاه، ایفای نقش کند.

از طرفی، به دلیل اینکه نظام هنجارهای حقوقی صرفاً محدود به قوانین مجلس نیست و اقسام گوناگونی را شامل می‌شود؛ یکی از آثار الزام‌آور دانستن مصوبات شورا این است که مجلس می‌تواند مستند به آن، وزیر مربوط یا رئیس جمهور (در صورت سکوت و تأیید ضمنی آن) را مورد سؤال و یا استیضاح قرار دهد [۹]. ضمن اینکه شورای نگهبان نیز با استناد به اصول پنجاه و هفتم و یکصد و دهم قانون اساسی، عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی را دنبال می‌کند. همه این موارد در کنار هم، ظرفیت لازم برای جایگاه قرارگاہی شورای عالی انقلاب فرهنگی را فراهم کرده و باید ضرورت جایگاه سیاستی شورا به عنوان جایگاهی هادی بعد از سیاست‌های کلان



ابلاغی و قبل از قانون و آیین‌نامه‌های اجرایی درک شود تا در گام بعد، شورا بتواند به‌عنوان هماهنگ‌کننده بین قوا و دستگاه‌های اجرایی در میدان فرهنگ، نقش جدی و مؤثر ایفا کند. [۱۰]

به تعبیر مقام معظم رهبری^{مدظله‌العالی}، از ملزومات قرارگاه مرکزی تحول فرهنگی کشور، فرماندهی مسائل عمده فرهنگی و سیاست‌گذاری برای آنهاست. توجه به این نکته ضروری است که این قرارگاه، مسئولیت اجرای مستقیم امور در قالب واحد اداری مجزایی را ندارد؛ لذا باید واحدها و بخش‌های مرتبط براساس رویکردی واحد در راستای سیاست‌های میانی شورا، برای عملیات هماهنگ شوند. همچنین لازم است راهبری نیروها و هدایت آنها برعهده قرارگاه باشد. با وجود این، باید دقت شود که در موضوع بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور به‌عنوان یکی از مسائل فرهنگی کشور، جایگاه قرارگاهی شورای عالی انقلاب فرهنگی صرفاً به تدوین سند، تقلیل نیابد و لازم است جایگاه قرارگاهی با ارائه نگاهت‌نهادی یا جدول تقسیم کار ملی شورا در این حوزه تمهید شود. این موضوع به‌معنای برهم‌زدن منطق ساختار و تشکیلات سایر دستگاه‌ها و نهادها نیست، بلکه شورای عالی انقلاب فرهنگی باید الزامات گردآوری و گفتگو میان مجریان سیاست‌های کلی را فراهم آورد. قدرتی که از دل این گفتگوها تولید می‌شود، قوام‌بخش فعالیت همه بخش‌هاست و باعث می‌شود دستگاه‌ها به دنبال این گفتگوها، همگی خود را دخیل در تحقق اهداف بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی ببینند. این گفتگوها لازم است فارغ از منافع فردی و سازمانی و به‌منظور وحدت رویه در اجرا صورت گیرد. زیرا از این مسیر است که امکان فرماندهی قرارگاه حوزه فرهنگ برای شورای عالی فراهم می‌شود و در غیر این صورت، نوعی گردهمایی‌های صوری شکل می‌گیرد، بدون آنکه وحدت رویه و اتفاق نظری رخ بدهد.

۳-۱-۴. تجمیع داده‌ها و اطلاعات رصد و نظارت برای طراحی شاخص‌های ترکیبی وضعیت فرهنگی

از دیگر ملزومات مهندسی فرهنگی، هم‌افزایی بین مراکز رصد و نظارت است، به‌نحوی که بتوان اطلاعات و داده‌های موجود در دستگاه‌های رصد و نظارت را در قرارگاه رصد، تجمیع کرد و از آنها به‌منظور شناخت دقیق ضعف‌ها و گزاره‌های غلط فرهنگی در عرصه‌های مختلف و همچنین تبیین و تحلیل درست از وضعیت موجود و تغییرات پیدا و پنهان فرهنگی در جامعه استفاده کرد؛ همچنین در مرحله بعد لازم است شاخص‌هایی ترکیبی برای نظارت، ارزیابی، کنترل و هدایت هوشمند تغییرات فرهنگی با استفاده از فناوری‌های نوین طراحی گردد تا از این طریق ضمن ریشه‌یابی اشکالات از آثار زیان‌بار ممانعت شود.

۲-۴. اصلاح نحوه تخصیص بودجه در بخش فرهنگ و هنر

چنانچه بپذیریم که حوزه فرهنگ به‌عنوان حوزه پیشران در امر رشد و پیشرفت جامعه است، آنگاه لازم می‌شود که در نظام بودجه‌ریزی کشور نیز متناسب با این اهمیت، به حوزه فرهنگ، توجه ویژه‌ای شود. در حال حاضر، ساختار بودجه در حوزه فرهنگ، به‌نحوی است که برخی از بودجه‌های مصوب بخش فرهنگ از محل درآمدهای ناشی از بخش‌های دیگر اقتصادی است. برای مثال، در آیین‌نامه بند «ه» تبصره «۹» قانون بودجه سال ۱۴۰۲ چنین مقرر شده بود که یک درصد از کل اعتبارات شرکت‌های دولتی و بانک‌ها با نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باید در بخش فرهنگ و هنر هزینه شود. حال چنانچه به هر نحوی این اعتبارات کاهش یابد و یا دستگاه‌های مربوطه از پرداخت چنین سهمی، استنکاف کنند، بدیهی است که بودجه بخش فرهنگ و هنر نیز قطع شده و یا تقلیل می‌یابد و لذا پر واضح است که دستگاه‌های فرهنگی نمی‌توانند برای چنین بودجه ناپایداری، برنامه‌ریزی کنند؛ علاوه بر این موضوع، تخصیص بودجه به بخش فرهنگی، به‌نحوی که طفیلی سایر بخش‌ها باشد، باعث شده سایر بخش‌ها نسبت به اعتبار در نظر گرفته شده برای امور فرهنگی، احساس رضایت نداشته باشند و یا به‌نحوی از تخصیص آن امتناع کنند و یا اینکه با کمترین رغبتی آن را تخصیص می‌دهند و در نهایت نیز، اعتبار در نظر گرفته شده را صرف امور صوری و نمایشی فرهنگی و کم‌اثر می‌کنند تا شانه از بار این مسئولیت خالی کنند و بدین شکل اعتبار در نظر گرفته شده، بدون اینکه تأثیرگذاری چندانی داشته باشد، صرف می‌شود. از این رو اگر قرار است که سهم بودجه بخش فرهنگ افزایش پیدا کند یا اینکه اعتبار بیشتری تخصیص یابد، لازم است اعتبار در نظر گرفته شده به‌صورت مستقیم از محل درآمدهای پایدار به دستگاه‌های فرهنگی تخصیص یابد و به‌گونه‌ای نباشد که خود دستگاه‌های فرهنگی چشم‌انتظار تخصیص اعتبار از سوی شرکت‌ها و بانک‌ها باشند.

۳-۴. تغییر نظام بودجه‌ریزی به نفع ایجاد گروه‌های مردمی

در گزارش قبل با عنوان «چارچوب مفهومی بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور (۱)» در نهایت، یک راهبرد اساسی مبنی بر اینکه لازم است دستگاه‌های فرهنگی با افراد با اراده بیرون از سازمان ائتلافی برقرار کنند ارائه شد؛ به این معنا که باید در عین استقلال، با نیروهای واجد اراده و خودانگیخته خارج از دولت، در یک ائتلافی قرار بگیرند که در نهایت، خود این ائتلاف، به دولت برنامه عمل سیاسی و ساختاری می‌دهد. این امر، ملزوماتی دارد که باید مهیا شود. یکی از موانع اصلی این امر، توزیع اعتبارات به صورت دستگاهی است، تاجایی که خود این ساختارهای سخت، مانع شکل‌گیری این جریان می‌شوند. ساختارهای دولتی برای اینکه موقعیت خود را حفظ کنند، با هر گونه قدرت پیدا کردن گروه‌هایی غیر از دولت، مخالفت می‌کنند و به نوعی مانع فعالیت آنها می‌شوند و علت این است که به ساختارها اعتبار تخصیص داده می‌شود و نه به مأموریت‌ها؛ لذا این موضوع باعث فریبی و عدم چالاکی دستگاه دولت شده است.

از این رو لازم است در زمینه نظام بودجه‌ریزی، تغییر رویکردی اساسی به نفع اجرای مأموریت‌های انجام نشده و ایجاد ائتلاف‌های مردمی صورت بگیرد. برای مثال، در حوزه کتاب، اعتبارات، کمتر به مصرف‌کننده‌ها اختصاص می‌یابد و به جای آن، به ناشران به منظور تهیه مواد اولیه برای تهیه کتاب اختصاص داده می‌شود. با این رویکرد، حتی افزایش بودجه بخش فرهنگ، به بهبود این حوزه کمک چندانی نمی‌کند، زیرا افزایش سهم بودجه در این ساختار فرهنگی، باعث فریبی ساختار متصلب فرهنگی شده و نقش مردم و گروه‌های غیردولتی را شدیداً کاهش می‌دهد. از طرفی، اعتبارات اگر به ترغیب مصارف فرهنگی توسط مردم اختصاص پیدا کند، علاوه بر اینکه شاهد افزایش مشارکت فرهنگی خواهیم بود، از این طریق می‌توان دستگاه‌های دولتی را نیز در این سود مشترک سهیم کرد. برای مثال، می‌توان تجربه تخصیص یارانه خرید کتاب به اقشار مختلف مردم را مرور کرد که این موضوع باعث افزایش تقاضای خرید کتاب شد و به دنبال آن افزایش تولید و انتشار کتاب را به همراه داشت [۱۱]. برای نمونه، می‌توان به این موضوع اشاره کرد که تخصیص یارانه به استفاده از وسایل نقلیه عمومی، علاوه بر افزایش استقبال مردم از این وسایل، زمینه‌ساز ایجاد فرهنگ استفاده از وسایل نقلیه عمومی برای آحاد جامعه است و همچنین، سرمایه‌گذاری‌ها را به افزایش و بهبود ناوگان نقلیه عمومی و کاهش آلاینده‌ها سوق خواهد داد. این مثال‌ها و مثال‌های فراوان دیگری از این دست نشان می‌دهد که لازم است نظام بودجه‌ریزی کشور به‌ویژه در حوزه فرهنگ، به نحوی تغییر کند که گروه‌های متعهد، آینده‌دار و متخصص به عرصه فرهنگ ترغیب شوند، امکان تغییر ذهنیت مردم و نرم‌افزار حاکم بر رفتار مردم تغییر خواهد کرد و اصلاح خواهد شد.

۴-۴. اصلاح ساختار بودجه کشور از دستگاه محوری به مأموریت محوری

یکی از بایسته‌های اساسی جهت بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور، اصلاح ساختار بودجه کشور در حوزه فرهنگ به نحوی است که بودجه دستگاه‌های فرهنگی بر اساس مأموریت‌های محوله به آنها تخصیص یابد. به بیان دیگر، اکنون بخش اعظم بودجه تخصیص داده شده به دستگاه‌های فرهنگی، صرف پرداخت حقوق و مزایای کارکنان آنها می‌شود، بدون اینکه بررسی شود این مبالغ پرداختی تا چه حد، سبب انجام مأموریت‌های محوله به آنها شده است. به بیان دیگر، مسئله در این شیوه تخصیص بودجه، کم یا زیاد بودن اعتبارات بخش فرهنگ نیست. زیرا در این حالت وقتی بودجه نهاد‌های فرهنگی، افزایش پیدا می‌کند، مسئولان و کارکنان دستگاه‌های فرهنگی، بعضاً خودشان را بی‌نیاز از تولید کاری مؤثر می‌بینند و لذا عمدتاً نیرویی به دستگاه خود به منظور اثرگذاری وارد نمی‌کنند و لاجرم، دستگاه‌های فرهنگی بدون توجه به مخاطب‌شان، مشغول سلسله امور جاری و ثابتی می‌شوند، بدون اینکه دنبال اثرگذاری با هدف تغییر ذهنیت مردم باشد. در این راستا، لازم است نظام بودجه‌ریزی کشور در حوزه فرهنگ تغییر کرده و به سمت بودجه‌ریزی برنامه‌محور به معنای واقعی آن، حرکت کند. در چنین شرایطی، دستگاه‌های مختلف از جمله دستگاه‌های فرهنگی در کنار سایر دستگاه‌ها باید به منظور تخصیص بودجه، مأموریت‌های محوله را به نحو احسن انجام دهند. البته لازم است این امر به صورت تدریجی و سالیانه محقق شود، چرا که به یک‌باره نمی‌توان روال‌های شکل گرفته را تغییر داد.



۵-۴. تغییر نقش دستگاه‌های فرهنگی از تصدیگر به عنوان بستر ساز و تنظیم‌گر

دستگاه‌های مختلف فرهنگی باید با بستر سازی، امکان تولید محصولات فرهنگی و تنظیم‌گری فعالیت‌های مردمی و غیرحاکمیتی را فراهم کنند. برای مثال، طراحی و ایجاد سکوه‌های (پلتفرم) مردم‌محور در بخش‌های مختلف حوزه فرهنگ منجر به ترغیب عموم و گروه‌های تخصصی غیردولتی به حضور فعالانه و تولید محصولات فرهنگی می‌شود. از سوی دیگر، لازم است حضور دولت در این سکوها، صرفاً به عنوان بستر ساز و تنظیم‌گر باشد. زیرا کاهش تصدیگری دولت در این حوزه، منجر به شکل‌گیری فضایی مردم‌پایه می‌شود که دولت با تنظیم‌گری، ضمن هدایت تولیدات مردمی، باعث مشارکت فعال مردم در حوزه‌های گوناگون می‌شود. فاصله گرفتن دستگاه‌های فرهنگی از جایگاه تصدیگری به تنظیم‌گری به منظور جلب مشارکت نیروهای خودجوش و آتش به اختیار در حوزه‌های فرهنگی، به تدریج منجر به شکل‌گیری و ایجاد هسته‌های هدایت فرهنگی در سطح جامعه برای آحاد مردم می‌شوند. در این صورت، دولت در نقش رقیب با گروه‌های متعهد و آینده‌دار وارد نمی‌شود و امکان رقابت تعداد زیادی از هسته‌های خودجوش فراهم می‌شود که می‌تواند صرفاً با تنظیم‌گری دولت، پشتیبانی و هدایت شوند؛ ضمن اینکه، موضوع مذکور وفق ماده (۸۸) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت و ماده (۲۴) مدیریت خدمات کشوری مورد تأکید قرار گرفته و حکم قانونی دارد.

شایان ذکر است که نقش بستر سازی و تنظیم‌گری نباید با ولنگاری فرهنگی یا رهاشدگی فرهنگی خلط شود. فعالیت‌های فرهنگی به دلیل اینکه امری تدریجی، مستمر و دیربازده هستند و در بلندمدت آثار خود را نشان می‌دهند، غالباً دولت‌ها علاقه‌مند هستند تا تمرکز فعالیت خود را معطوف به بخش‌هایی کنند که بتوانند در دوران مسئولیت خود، آن را به نتیجه برسانند؛ لذا دولت‌ها عمده تمرکز خودشان را به وظایف و تکالیفی که در آنها اختیار بیشتری دارند، معطوف می‌کنند. یکی از دلایل این است که با توجه به فرصت چهار ساله، دولت‌ها اصرار دارند آن دسته از اقدامات کمی را انجام دهند که در بازه زمانی محدود بروز و ظهور داشته باشد. ضمن اینکه مسائل فرهنگی از اساس، موضوعات پیچیده و چالش‌برانگیز هستند و کوچک‌ترین مداخله به منظور حصول سریع‌ترین نتیجه در طول عمر دولت‌ها، ممکن است هزینه‌های زیادی را برای آنها به دنبال داشته باشد، همه این شرایط در مجموع، موقعیت دولت را به عنوان بالاترین دستگاه اجرایی، در نسبت با حوزه فرهنگ دچار اختلال می‌کند. [۱۲] با این نگاه، عمده دولت‌ها در فرهنگ و موضوعات فرهنگی دخالت نمی‌کنند و با ایده عدم تصدیگری در حوزه فرهنگ، در عمل رهاسازی فرهنگی را منجر شده‌اند که تبعات بسیاری از تصمیم‌های دولت‌های گذشته هم اکنون بروز و ظهور یافته و بعضاً جامعه را با چالش‌هایی روبه‌رو کرده است. برای مثال در برنامه سوم توسعه، به‌طور کلی بحث واگذاری فرهنگ به بخش غیردولتی، بسیار پررنگ است. در این دوره با حمایت‌هایی که از طریق اعتبارات فصل کمک‌های بلاعوض اعطا می‌شدند، امکان انتشار نشریات تخصصی و غیر تخصصی سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در سطوح محلی، منطقه‌ای و ملی ایجاد شد. ویژگی مهمی که نشریات این دوره را از سایر دوره‌ها متمایز می‌کند، کاهش محدودیت‌های چاپ و مرزهای ممیزی (سانسور) در حوزه‌های مختلف است. از همین دوره، ریشه تغییرات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی از جمله سطحی‌نگری، ظاهرگرایی یا ناهنجاری‌های رفتاری موجود در جامعه را می‌توان پیگیری کرد؛ از جمله این موارد می‌توان به گسترش نشریات و مجلات زرد در حوزه سبک زندگی اشاره کرد. نشریاتی که به سبک مجلات غربی با محوریت اخبار بازیگران، خواننده‌های سینمایی و تلویزیونی داخلی و خارجی چاپ و منتشر می‌شدند و نوع زندگی مصرفی آنها را تبلیغ می‌کردند و از آنها الگویی برای زندگی مردم ساخته می‌شد. [۳]

۶-۴. استفاده از ظرفیت‌های موجود مغفول بین دستگاه‌های دولتی

به رغم وجود تمام نواقصی که به لحاظ اعتبارات و موضوعات سازمانی و تشکیلاتی در بخش فرهنگ و هنر وجود دارد، تمام دستگاه‌های دولتی ظرفیت‌هایی دارند که در تعامل با یکدیگر امکان بروز و ظهور بیشتری را پیدا می‌کنند، اما به دلیل مشغولیت دستگاه‌ها به امور روزمره، از آنها غفلت می‌شود. برای مثال، وزارت آموزش و پرورش حدود ۱۶ میلیون دانش‌آموز دارد که بالقوه می‌تواند مخاطب بسیاری از محصولات فرهنگی هنری تولیدی دستگاه‌هایی مانند وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی یا سازمان تبلیغات اسلامی از جمله فیلم، پویانمایی، کتاب و از این دست

محصولات باشند. در برخی از حوزه‌ها، حضور یک درصدی جمعیت مذکور نه تنها زنجیره ارزش صنایع مختلف از تولید تا مصرف را تأمین می‌کند، بلکه جریان انتقال فرهنگ ملی و دینی به قشر اثرپذیر و آینده‌ساز را نیز فراهم می‌آورد؛ یا برای نمونه می‌توان به کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در نسبت با وزارت آموزش و پرورش که وظیفه ایجاد امکانات لازم برای رشد و پرورش فکری و ذوقی کودکان و نوجوانان را دارد، اشاره کرد که از این ظرفیت به صورت کامل و بهینه استفاده نمی‌شود. کانون پرورش فکری تولیدات فرهنگی و هنری دارد، اما کمتر شاهد استفاده از این تولیدات در مدارس به عنوان مخاطب هدف هستیم.

۷-۴. اصلاح ساختار اداری و تشکیلات به منظور چابک‌سازی

یکی دیگر از بایسته‌های موضوع بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی، اصلاح و بازنگری ساختار اداری و تشکیلات به منظور چابک‌سازی و حذف بخش‌های قدیمی موجود در ساختار اداری و تشکیلات یا مأموریت‌های موجود از چند دهه پیش است. در ساختار اداری و تشکیلاتی دستگاه‌های دولتی در بخش فرهنگ، همانند سایر بخش‌ها، بعضاً هنوز در ساختار اداری بخش‌هایی وجود دارد که با گذشت زمان، عملاً از دور فعالیت خارج شده است و باید بازنگری در خصوص پست‌های سازمانی یا قوانین اداری و سازمانی صورت بگیرد. برای مثال، با رواج تلفن عملاً تلگراف که زمانی به عنوان ابزار مرسوم ارتباطی استفاده می‌شد، به حاشیه رفت. مشابه این امر در اواخر دهه ۸۰ با شکل‌گیری سایت‌های خبری و خبرگزاری‌ها اتفاق افتاد و در حال حاضر نیز بحث شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها مطرح است؛ به نحوی که با گسترش فضای مجازی و وسایل ارتباط جمعی هوشمند و پیشرفته، عملاً استفاده از فناوری‌ها و ابزارهای گذشته به حاشیه رفته و بلا موضوع شده، از این رو لازم است متناسب با سیر تحولاتی که در خارج از ساختار رسمی اتفاق می‌افتد، ساختار اداری هم اصلاحاتی داشته باشد؛ شاید بتوان تبدیل «معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی» به «معاونت امور رسانه‌ای و تبلیغات» را از این جنس تلقی کرد. معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی بیشتر بر رسانه‌های چاپی ناظر است و «معاون امور رسانه‌ای» دایره بزرگ‌تری از قبیل رسانه‌های چاپی اعم از روزنامه و نشریات، خبرگزاری‌ها و رسانه‌های مجازی را دربرمی‌گیرد و این موضوع جزو اصلاحاتی بود که متناسب با اقتضات زمان، بازنگری شد. در حوزه تبلیغات نیز به همین صورت است. در واقع تبلیغاتی که معاونت امور مطبوعاتی پیشتر بر آن نظارت می‌کرد، محدود به حوزه تبلیغات شهری بود که به تبلیغات بزرگ‌راهی، فرودگاهی و خارج شهری هم توسعه پیدا کرد. در ادامه، تبلیغات در بستر فضای مجازی توسعه پیدا کرد، پیام‌رسان‌ها و برنامه‌های کاربردی (اپلیکیشن‌ها) و سامانه نمایش در خواستی (وی‌اودی‌ها) هم اضافه شدند و در نتیجه در حوزه تبلیغات هم تکالیف بسیار زیاد، هم انتظارات بالایی از معاونت مطبوعاتی به عنوان یکی از مراجع تخصصی نظارت بر تبلیغات تجاری در کشور شکل گرفت. در نتیجه ضرورت داشت که بنابر اعلام نیازها و درخواست‌ها، در عملکرد آن تغییراتی ایجاد شود. [۱۳]

۸-۴. ایجاد رویکردی فراگیر به جای نگاه بخشی به فرهنگ

یکی از ویژگی‌های برخی از سیاست‌های فرهنگی اتخاذ شده، غلبه اقدامات شکلی و ارائه بیان کاری، بدون توجه به اثرگذاری آنهاست. این انگاره، در سطح ساختاری از دو جهت قابل توضیح است: اول اینکه، موضوع فرهنگ به یک بخش خاص واگذار می‌شود و دوم آنکه، سازمانی دیوان سالار متولی بخش فرهنگ است. درباره عواقب نگاه سازمانی به مقوله فرهنگ در موارد قبل توضیحاتی ارائه شد، اما در خصوص نگاه بخشی به فرهنگ، این نکته شایان ذکر است که فرهنگ با تمام گستردگی، تکثر و پیچیدگی خود در یک بخش، در کنار سایر بخش‌ها، تعریف و دارای متولی می‌شود. با تفکیک بخشی فرهنگ، اگرچه حوزه فرهنگ شامل ساختار، سازمان و بودجه و در نتیجه قابل اشاره می‌شود، اما از میدان واقعی و فراگیر فرهنگ فاصله می‌گیرد. [۱۴] در رویکرد بخشی به فرهنگ، این امکان وجود دارد که برخی اجزا و ابعاد جامعه مستقل از فرهنگ، بررسی و فرهنگ به عنوان بخشی از کل جامعه در نظر گرفته شود. در صورتی که لازم است به فرهنگ، نگاهی مبنایی و فراگیر صورت گرفته و در تعامل بخش‌های مختلف فرهنگی، به تدریج وحدت رویه و رویکردی واحد به موضوعات مختلف شکل بگیرد.



۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری



براساس گزارش حاضر و اهم چالش‌های احصا شده، به نظر می‌رسد، کلیدی‌ترین مسئله پیش‌روی ساختار فرهنگی کشور، عدم نگاه کل‌نگر به مسائل است. رویکرد جامع و همه‌جانبه، ضمن کاهش بروز چالش‌های جدیدتر، باعث می‌شود امکان بیشتری برای حل سایر چالش‌ها از قبیل نگاه بخشی به حوزه فرهنگ، نامشخص بودن افراد صاحب‌ایده و تصمیم‌گیر، همچنین ضعف ایده‌دستگاه‌های فرهنگی، نقص ارزیابی عواقب تصمیم‌های فرهنگی، نظام بودجه‌ریزی و تخصیص اعتبارات بخش فرهنگ، فراهم شود.

به‌منظور ایجاد نگاهی جامع و کل‌نگر لازم است دولت به‌صورت کلیتی یکپارچه دیده شود. به‌بیان دیگر نمی‌توان دولت را مجموعه‌ای از تصمیم‌ها و بخش‌های واگرا از هم تصور کرد و انتظار وحدت‌رویه از آن داشت؛ لذا دولت زمانی بیشترین اثرگذاری را خواهد داشت که بتواند کلیت خود را در تصمیم‌های بخشی نشان دهد. از این منظر، رئیس‌جمهور به‌عنوان رئیس کلیتی به نام دولت، مسئول اصلی بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی است. توجه به رئیس‌جمهور به‌عنوان مسئول اصلی بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور، در دل خود، دولت را به‌عنوان یک کلیت که اجزای هماهنگ با هم دارد و به‌صورت اندام‌وار (ارگانیک) فعالیت می‌کند، طلب می‌نماید. این امر به‌معنای این است که مسئولیت چالش‌های مختلف از جمله چالش‌های فرهنگی کشور برعهده کلیت دولت‌هاست و نمی‌توان بدون نظاره به این کلیت، از سیاست‌های اقتصادی گرفته تا رویکرد سیاسی اجتماعی دولت، به سراغ بازسازی ساختار فرهنگی رفت. زیرا در غیر این صورت، دولت به مجموعه‌ای از تصمیم‌های واگرا تبدیل می‌شود که در رقابت با هم هستند و از یکدیگر پیشی می‌گیرند و عملاً امکان تحقق دولتی مقتدر را تضعیف می‌کند. برای نمونه در این حالت، بخش‌هایی از دولت در تلاش هستند تا آمار تجهیزات پر مصرف را بالا ببرند و بخش‌های دیگر در همان دولت، سیاست اصلاح الگوی مصرف را دنبال می‌کنند و حاصل آن، مجموعه سیاست‌های واگرایی است که نه تنها ایده مشخصی در کلیت دولت را حمل نمی‌کند و تصویری از آن ارائه نمی‌دهد، بلکه گاهاً تصمیم‌ها در تضاد با یکدیگرند.

به‌بیان دیگر، رئیس‌جمهوری که بتواند ضامن کلیت دولت باشد، می‌تواند نقش قرارگاهی شورای عالی انقلاب فرهنگی را احیا و به دنبال آن، سایر اصلاحات مبنی بر توافق بر نقشه مهندسی فرهنگی به‌عنوان نقشه راه، تجمیع داده‌ها و اطلاعات رصدی و تغییر نظام بودجه‌ریزی و تخصیص اعتبارات را اعمال کند.

این موضوع، یعنی دیدن دولت به‌مثابه یک کلیت، علاوه بر اینکه در گام اول، باید در بخش‌های مختلف دولت محقق شود، لازم است در نسبت میان مجلس و دولت نیز لحاظ گردد و ساز و کارهای نظارتی، نظیر استیضاح یا رأی اعتماد در نسبت با کلیت دولت صورت گیرد. به‌بیان دیگر لازم است مجموعه کابینه دولت، در کنار هم، از مجلس شورای اسلامی رأی اعتماد اخذ کنند یا استیضاح یک بخش یا یک وزیر باید در نسبت کلیت دولت و ایده‌ای که به‌همراه دارد، صورت بگیرد. به‌بیان دیگر، تصمیم‌های بخش‌های مختلف دولت، به‌نوعی تصمیم کل دولت است و باید حامل ایده کلی آن باشد، این الگوی تعاملی، نقطه شروعی به‌منظور بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور است و در این شرایط است که فرهنگ، اقتصاد و سیاست می‌توانند در الگویی هم‌گرا و در تعامل با هم حرکت کنند و نقطه مسئولیت و پاسخ‌گویی نسبت به کلیت دولت‌ها ایجاد شود. امتداد نگاه فوق در بین دستگاه‌های فرهنگی، استمرار پاسخ‌گویی دولت در امر بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی را فراهم می‌کند. به‌بیان دیگر در صورت پذیرش دولت به‌عنوان یک کلیت، می‌توان دستگاه‌های فرهنگی را در ارتباط اندام‌وار (ارگانیک) با هم دید، بنابراین می‌توان اصلاحاتی که لازم است در نحوه تخصیص بودجه در بخش فرهنگ، شناسایی ائتلاف‌های مردمی و چرخش رویکردها از دستگاه‌محوری به مأموریت‌محوری و همچنین تغییر و به‌روزرسانی نقش دستگاه‌ها را دنبال کرد.

البته باید این نکته را در نظر داشت که همه چالش‌ها و موانع به یک‌باره مرتفع نمی‌شوند، بلکه لازم است با نگاهی راهبردی وارد میدان عملیات شد و به‌صورت هوشمندانه دست به اقدام زد تا تبعات آسیب‌های جدی به‌همراه نداشته باشد. علاوه بر این موضوع، برای رسیدن به تحول اساسی، لازم است برنامه‌ای مرحله‌بندی شده پیش‌رو داشته و در این مسیر، مرحله به مرحله اقدام کرد و نباید با اقداماتی عجولانه، تحقق اهداف مطلوب را به تأخیر انداخت. در این راستا، پذیرش اقدامات خوب و بهینه‌ای که تاکنون صورت گرفته، ضروری است. لذا در گام اول، باید نقشه

مهندسی فرهنگی کشور، به‌عنوان سند بالادستی در حوزه فرهنگ که می‌تواند مبنای طراحی عملیات باشد، مورد مفاهمه و توافق قرار گیرد و به‌منظور بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی، مشغول سندنویسی‌های مطول و متعدد نشد. سپس در مرحله بعد، باید شورای عالی انقلاب فرهنگی به‌عنوان قرارگاه بازسازی انقلابی نقش‌آفرینی کند و ملزومات انسجام‌اندام‌وار (ارگانیک) را بین دستگاه‌های فرهنگی فراهم کند. یکی از ملزومات این امر هوشیاری و رصد دائمی قرارگاه است؛ از این‌رو باید داده‌ها و اطلاعات دستگاه‌های رصد و نظارت برای طراحی شاخص‌های ترکیبی وضعیت فرهنگی در شورای عالی انقلاب فرهنگی جمع‌آوری شود.

منابع و مآخذ



۱. بیانات مقام معظم رهبری در نخستین دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت سیزدهم، ۱۴۰۰/۶/۶.
۲. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۱/۹/۲۶.
۳. سهرابی، حامد. گزارش کارشناسی واکاوی مفاد سبک زندگی در اسناد سیاستی و برنامه‌های توسعه (راهکارهایی جهت پیاده‌سازی مصوبات). مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۹۶۷۱، ۱۴۰۲.
۴. مستمع، رضا. گزارش کارشناسی طرح مدیریت متمرکز فرهنگی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۷۴۴۲، ۱۳۹۹.
۵. رحمانی‌پور، ریحانه. گزارش کارشناسی طرح افزایش کارآمدی دستگاه‌های فرهنگی و اجرایی در گسترش اخلاق عمومی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۶۶۳۹، ۱۳۹۸.
۶. گزارش کارشناسی طرح سامان‌دهی نهادهای تبلیغی دینی و فرهنگی تشکیل ستاد عالی توسعه فرهنگ اسلامی، شماره مسلسل ۹۳۸۲، ۱۳۸۷.
۷. نقشه مهندسی فرهنگی کشور، ۱۳۹۱.
۸. سهرابی، حامد. گزارش کارشناسی چارچوب مفهومی بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور (۱): طرح مسئله، اهم چالش‌ها و راهبرد، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۹۳۱۴، ۱۴۰۲.
۹. تعدد مراجع قانونگذاری در جمهوری اسلامی ایران. مرکز تحقیقات شورای نگهبان، ۱۳۹۲.
۱۰. عبدالاحد، علی. مصوبه کارگروه موضوع ماده (۱۴۲) آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در خصوص بررسی طرح «نظام قانونگذاری، تعیین حدود اختیارات و صلاحیت مراجع وضع قوانین و مقررات» (شماره ثبت: ۵۹۴) و پیش‌نویس «طرح نظام قانونگذاری» (نحوه اجرای سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری) (ویرایش دوم). ماهنامه گزارش‌های کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۲۰۲۲. ۳۰.
۱۱. اسماعیل‌پور، توحید. گزارش کارشناسی درآمدی بر حکمرانی مردمی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۸۹۵۶، ۱۴۰۲.
۱۲. سهرابی، حامد. گزارش کارشناسی الزامات سیاستی - تقنینی تدوین برنامه هفتم توسعه در حوزه فرهنگ (با آسیب‌شناسی برنامه‌های توسعه پیشین)، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۸۴۹۱، ۱۴۰۱.
۱۳. بررسی تغییر نام معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی در گفتگو با فرشاد مهدی‌پور، ۱۴۰۲.
۱۴. پورکیانی، محمد. ایده اداره فرهنگ در ایران، تهران: سوره مهر، ۱۴۰۱.



گزیده سیاستی

سلطه عقلانیت دیوانسالار بر ایده‌های فرهنگی، نبود نگاه همه‌جانبه و ارزیابی ناقص عواقب تصمیمات، اهم چالش‌های حوزه فرهنگ است که در ابتدا باید با مهندسی فرهنگی به‌مثابه روش بازسازی انقلابی، هم‌افزایی به‌منظور تجمیع داده‌ها، بین مراکز رصد و نظارت صورت بگیرد و نظام بودجه‌ریزی از دستگاه‌محوری به مأموریت‌محوری تغییر یابد.



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، روبروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ پست الکترونیک: mrc@majles.ir

وبسایت: rc.majles.ir